

معرفی یک شخصیت تاریخی به عنوان نمادی از سابقه حضور ایرانیان در جنوب شرق چین

* حجت رسولی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

اگرچه روابط میان دو کشور باستانی ایران و چین به قرن‌های دور باز می‌گردد؛ ولی قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی، یعنی دوران حاکمیت مغولان از اهمیت ویژه‌ای برای دو کشور برخوردار است. زیرا در این مقطع تاریخی بر اثر یکپارچگی نسبی و مناسبات میان شرق و غرب، بسیاری از ایرانیان به سرزمین چین مهاجرت کردند و از میان آن‌ها شخصیت‌های متعددی به مقامات بالای سیاسی و علمی دست یافتند و منشأ گسترش دین اسلام در چین شدند. به علاوه در کشور چین آثاری از معماری آن دوران به خصوص مساجدی که به سبک ایرانی ساخته شده برجای مانده است. یکی از این ایرانیان شخصی به نام نصرالدین است که مقبره او در مسجد باستانی شهر سونجیانگ قابل مشاهده است. این که نصرالدین کیست و به چه دورانی تعلق دارد و چه جایگاهی در میان مسلمانان داشته است، مسأله‌ای است که در این سطور به آن خواهیم پرداخت. در این نوشته همچنین موضوعات دیگری مانند شواهد مربوط به ایرانی بودن نصرالدین و این که آیا او بانی مسجد سونجیانگ هست یا خیر و اهمیت سنگ نوشته مقبره او مطرح خواهد گردید. کلیدواژه‌ها: چین، ایران، مسلمانان، سونجیانگ، مغول، نصرالدین.

A Presentation of a Historical Personage as an Example of Iranian's Presence Background in South East of China

Hojjat Rasouli, Ph.D.

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

Although relations between the two ancient countries; Iran and China, is rooted deep into far centuries, these relations enjoyed distinctive importance in 13th and 14th centuries A.D, i.e. during Mogul period. In that historical period and as a result of the relative integration and relations between east and west Asia, many Iranians migrated to China where several of them occupied high rank political and scientific positions which led to the broadening of Islamic religion in China. Moreover there are, in China, architectural relics remained from that period, specially mosques built according to the Iranian style. A personage named Nasr-ul-deen is one of those Iranians whose tomb is located in the old mosque of Sunjiang city. Who he was? To which period he belonged? And what dignity he enjoyed; in addition to a few other subjects such as the evidences which indicate him as Iranian, his founding the mosque of Sunjiang city or not, and the significances of his engraved tomb stone, all constitute the subject matter of this essay.

Keywords: China, Iran, Moslems, Sunjiang, the Mogule, Nasr-ul-deen.

* دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران، دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدمه

درباره سابقه حضور ایرانیان در کشور چین و روابط میان دو کشور ایران و چین فراوان گفته و نوشته‌اند. نظر غالب صاحب‌نظران و محققان بر آن است که برقراری روابط میان دو کشور به دوران امپراتوری وو (WU) از سلسله هان (206 ق.م) در چین و دوران پادشاهی اشکانی در ایران و به‌طور مشخص به دوران پادشاهی مهرداد دوم (78 - 123 ق.م) باز می‌گردد (تشکری 1356: 15، 57).

از آن زمان همواره مراودات سیاسی و بازرگانی میان دو کشور وجود داشته است؛ ولی سابقه حضور فعال ایرانیان در چین به قرن 13 و 14 میلادی یعنی دوران حاکمیت مغولان (1260 - 1368 م) باز می‌گردد (جیان 1371: 102).

در این دوران، ایرانیان نقش مؤثر سیاسی و فرهنگی در کشور چین ایفا کردند و جایگاه آنان چنان بالا گرفت که به مقامات بسیار مهم وزارت و حاکمیت بر برخی از شهرها دست یافتند. منابع تاریخی معتبر از این جایگاه مهم ایرانیان در چین حکایت دارد. از جمله این منابع می‌توان از سفرنامه‌هایی مانند سفرنامه ابن بطوطه و مارکوپولو نام برد.

خاندان‌های متعدد ایرانی در این دوره در چین حضور یافتند و افراد متعددی از این خاندان‌ها در چین به مقام وزارت یا فرماندهی سپاه رسیدند، یا به حاکمیت ولایات گماشته شدند که مدت‌ها خود و سپس فرزندان‌شان این مناصب مهم را به عهده داشتند.

شمس‌الدین عمر مشهور به سید اجل، یکی از ایرانیانی بود که مدت 25 سال وزارت قویبلای قآن را از سال 1260 میلادی برعهده داشت و تعداد زیادی از فرزندان و نوادگان وی در زمان حیات او و پس از او مناصب و مأموریت‌های متعددی را درباره خاندان یون برعهده داشتند و خواجه رشیدالدین فضل‌الله در آثار خود از او یاد کرده است (امیری 1378: 98). یکی دیگر از افراد صاحب نفوذ و قدرتمند در دستگاه حکومتی مغولان در چین، امیراحمد بناکتی بود که پس از خاندان شمس‌الدین عمر به مقام وزارت رسید. وی از اقتدار و نفوذ بی‌نظیری در چین برخوردار بود. به علاوه، فرزندان وی نیز جملگی دارای مناصب و مسؤولیت‌های مهمی بودند (مارکوپولو 1350: 130؛ فیتزجرالد 1367: 498).

در تاریخ همچنین از شخصی به نام محمود یلواج خوارزمی و پسرش مسعود نام برده شده که به عنوان سیاستمدارانی مسلمان از جانب آگتای قآن پسر چنگیز خان، بر ماوراءالنهر و بخش وسیعی از نواحی شمالی چین حاکمیت داشتند (جوینی 1362: 71، 179، 197) دکتر

حسین علی ممتحن در مقاله‌ای عالمانه نقش این پدر و پسر را در اداره امور چین در دوره مغولان بررسی کرده است (ممتحن 1379: 1187).

در این مقطع تاریخی بر اثر یکپارچگی نسبی و برقراری مناسبات میان شرق و غرب بسیاری از ایرانیان به سرزمین چین مهاجرت کردند و از میان آن‌ها شخصیت‌های متعددی به مقامات بالای سیاسی و علمی دست یافتند و منشأ گسترش دین اسلام در چین شدند. نفوذ و قدرت ایرانیان بر اثر شرایط جدید ایجاد شده در چین به پایتخت یا شهرهای مهم منحصر نبود، بلکه آنان در شهرهای متعدد چین حضور داشتند.

نتیجه این حضور، گسترش آیین اسلام و فرهنگ ایرانی و نشر زبان فارسی و بنای مساجد متعدد در شهرها و مناطق مختلف چین بود. رواج زبان و ادب فارسی در کشور چین خود موضوع مستقلی است که در این مقاله نمی‌گنجد. تصریح کتب تاریخی بر رواج اشعار شاعران ایرانی در میان چینیان و از جمله اشاره ابن بطوطه، جهانگرد مسلمان، بر خوانده شدن اشعار شیخ مصلح‌الدین سعدی توسط آوازه‌خوانان و ملوانان چینی نشان عمق نفوذ زبان فارسی در چین است (ابن بطوطه 1997: 640). آثاری از معماری آن دوران به خصوص مساجدی که به سبک ایرانی ساخته شده نیز در شهرهای مختلف چین برجای مانده است. از جمله شهرهایی که مدت‌ها اداره آن در اختیار مسلمانان ایرانی بوده، شهر سونجیان در جنوب شرق چین است که در قرن 13 و 14 میلادی مسلمانان متعدد پی‌درپی در آن قدرت یافتند و اداره امور آن منطقه را در دست گرفتند.

به علاوه، در این شهر مسجد مهمی ساخته شد که مقبره شخصی به نام نصرالدین که یکی از حاکمان این منطقه بوده است در آن برجای مانده است که خود شاهدی است بر دوران نفوذ و قدرت مسلمانان در اقصی نقاط چین.

این که نصرالدین کیست و چه جایگاهی در میان مسلمانان داشته است، مسأله‌ای است که در این سطور به آن خواهیم پرداخت. این نوشته همچنین می‌کوشد به سؤالات فرعی دیگری نیز پاسخ دهد. از جمله این که:

1 - نصرالدین به چه ملیتی تعلق داشته است؟

2 - آیا او بانی مسجد سونجیانگ است؟

3 - چه اثری از نصرالدین باقی مانده است؟

اگرچه درباره پیشینه روابط ایران و چین کتاب‌های زیادی نوشته شده؛ ولی درباره موضوع خاص این مقاله اثر مستقلی به زبان فارسی به چاپ نرسیده است و نگارنده اثری که به معرفی نصرالدین یا نقش مسلمانان ایرانی در منطقه سونجیانگ پرداخته باشد، نیافته است. روش استفاده شده در این مقاله، روش توصیفی تحلیلی است که با اتکا به منابع کتابخانه‌ای موجود و مشاهدات حضوری در کشور چین و همچنین گفت و گو با چینیان مقیم آن کشور انجام گرفته است.

اهمیت این بررسی از آن جهت است که روزه‌ای است به جایگاه و نقش مسلمانان و ایرانیان در مقطعی از تاریخ گذشته کشورهای شرق آسیا و از جمله کشور بزرگ و دوردست چین؛ و امروزه جستجو و تحقیق برای شناخت پیشینه روابط ایران با سایر کشورها و به خصوص سرزمین بزرگ چین ضرورتی علمی و فرهنگی است.

جالب این که وابستگان به بسیاری از ملیت‌ها و ادیان و مذاهب می‌کوشند ردپایی و شواهدی هرچند اندک از حضور گذشتگان در تمدن‌های مختلف جهان و از جمله چین بیابند.¹ و گاهی نیز به علت سهل‌انگاری یا عدم توجه کافی محققان ایرانی به ضرورت مطالعه و شناخت و معرفی آثار مربوط به فرهنگ و تمدن ایران؛ این آثار به اشتباه یا از روی عمد به نفع کشورهای دیگر مصادره می‌گردد. شواهد مربوط به حضور ایرانیان در قرن‌های پیش در کشور چین فراوان است که بی‌شک ارزش مطالعه و معرفی دارد و کتیبه این مقبره و خود مسجد سونجیانگ یکی از مهمترین این آثار است.

سونجیانگ و بیش از یک قرن حاکمیت مسلمانان در آن

سونجیانگ Song jiang² نام منطقه‌ای است در حومه جنوبی شهر شانگهای چین که با مرکز شهر شانگهای حدود 50 کیلومتر فاصله دارد. اگرچه امروزه این منطقه یکی از شهرک‌های

1 - به نوشته ژان دلین در سال 1627 میلادی کشیشان مسیحی که برای تبلیغ به چین آمده بودند کتیبه‌ای را در شهر شی‌ان یافتند که تاریخ آن سال 781 میلادی بود. آنان بر اثر این یافته سرشار از شادمانی شدند (ژان دلین، اقتصاد چین، 434). این در حالی است که ابتدای جاده ابریشم از شهر شی‌ان بوده و محله بزرگی در قلب شهر شی‌ان مسلمان‌نشین است و بی‌تردید اسلام توسط ایرانیان به این شهر راه یافته و مسجد بزرگ شهر شی‌ان و کتیبه فارسی آن که نگارنده خود مشاهده کرده است، شواهد بسیار ارزشمند و متعددی از سابقه روابط تاریخی ایرانیان و مسلمانان ایرانی با سرزمین باستانی چین به شمار می‌آید.

2 - تلفظ درست این کلمه سونگ جیانگ است که حرف g در هر دو واژه به صورت غنه در می‌آید و در تداول عامه به آن سونجیان می‌گویند.

تابع شانگهای به‌شمار می‌آید، ولی سابقه تاریخی آن کمتر از شهر شانگهای نیست. در حقیقت در قدیم در این منطقه دو روستا وجود داشته یکی به نام خواتین و دیگری شانگهای که خواتین نام قدیمی سونجیانگ است.

سونجیانگ در دوران سلسله تانگ (906 - 618 م) وابسته به منطقه سوچو بود و در سلسله سون (1279 - 960 م) متعلق به شیوجو و در سلسله یون (1260 - 1368 م) خواتین نامیده شد و 15 سال بعد به سونجیانگ تغییر نام داد. و چون شهری بندری بود، مانند سایر شهرهای بندری چین مسلمانان به آن راه یافتند (دایره المعارف اسلامی چین: 564).

همان‌طور که گفته شد، اگرچه اسلام قرن‌ها پیش از سلسله یون و مینگ به چین راه یافت و سابقه حضور مسلمانان در کشور چین نیز به قرن‌ها پیش باز می‌گردد؛ ولی اوج تحرک و فعالیت مسلمانان در چین را باید دوران حاکمیت مغولان برشمرد. شهر سونجیانگ در دوران حاکمیت این سلسله نیز یکی از مراکز فعالیت مسلمانان به‌شمار می‌آید. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این شهر توسط نمایندگان امپراتور مینگ که برخی مسلمان بوده‌اند، تصرف شده و سپس بر اثر حضور مسلمانان در آن، به مرکز مهمی از نظر حضور و فعالیت مسلمانان در آمده است.

در سالنامه‌های قدیمی منطقه سونجیانگ آمده است که دوتن از مأموران مسلمان بلند پایه امپراتوری مینگ به نام‌های چنگ یو چوان (Changyu Chun) و شیو دا (Xuda) در سال 1366 میلادی به همراه هزاران سرباز به منطقه جنوب شرق آمدند و شهرهای هانجو و سوچو و سونجیانگ و چند شهر دیگر را تصرف کردند. در این سالنامه‌ها آمده است که چنگ یو چوان اسب خود را به درختی که در محل مسجد سونجیان وجود داشته، بسته است.

حضور مسلمانان در شهر سونجیانگ و مسؤولیت‌های مهمی که تعداد زیادی از آنان در این شهر داشته‌اند، از سویی اهمیت و جایگاه اجتماعی مسلمانان در این شهر را نشان می‌دهد؛ و از سوی دیگر ردپایی از حضور ایرانیان در این منطقه به‌شمار می‌آید. در این شهر طی سالیان متمادی مسلمانان حاکمیت داشته و افرادی زمام امور را در دست داشته‌اند که در کتاب‌ها و اسناد تاریخی چین از آنان به عنوان (دالو خواچی Dalu Huachi) یاد شده است.³

3 - دالوخواچی، تغییر یافته کلمه داروغه‌چی است. در تلفظ چینی‌ها حرف راء وجود ندارد و لذا با کمی تغییر آن را دالوخواچی تلفظ می‌کنند. این واژه در اصل ترکی مغولی و به معنای مهردار و والی شهر است (معین 1363).

براساس سالنامه دولتی سونجیانگ، در این شهر هفت تن از مسلمانان از جانب امپراتور حاکم بوده‌اند به نام‌های Mahama (محمد)، (1294 - 1277م)، Hazhu (حاج)، (1340م)، Aduchi (ادوچی)، (1354م)، Shajin یا Chaoerchi (احتمالاً همان جارچی است) و چندتن دیگر.

در کتاب دایره المعارف اسلامی چین از افراد زیر به عنوان افراد صاحب منصب (دالوخواچی / داروغه‌چی) در چین یاد شده است: محاما، نصرالدین، حاج، حسن شاه، صرف‌الدین، اندورا، داریما و ادوچی (دایره المعارف اسلامی چینی: 564).

حضور مسلمانان در شهر سونجیانگ و مسؤولیت‌های مهمی که تعداد زیادی از آنان در این شهر داشته‌اند از سویی اهمیت و جایگاه اجتماعی مسلمانان در این شهر را نشان می‌دهد؛ و از سوی دیگر ردپایی از حضور ایرانیان در این منطقه به‌شمار می‌آید.

نصرالدین

نصرالدین یکی از مسلمانانی است که مدتی در این منطقه به عنوان والی شهر می‌زیسته است و برخلاف سایر حاکمان مسلمان که اثری از آنان در منطقه برجای نمانده است، از او اثر ارزشمندی برجای مانده است. از آن‌جا که نام و اثر نصرالدین با مسجد شهر سونجیانگ پیوند خورده، شایسته است که نخست اشاره مختصری به تاریخچه این مسجد و ویژگی آن بنماییم و سپس بررسی شخصیت نصرالدین را پی‌گیریم.

در منطقه شانگهای، مساجد نسبتاً بزرگ و باشکوهی ساخته شده است، ولی مسجد سونجیانگ نسبت به مساجد شهر شانگهای بی‌نظیر است و در این منطقه تنها با مسجد شهر هانجو⁴ قابل مقایسه است.

ویژگی منحصر به فرد این مسجد، یکی تاریخچه و دیگری معماری آن است؛ زیرا در جنوب شرق چین مساجد متعددی وجود دارد که به جز تعدادی اندک در ساخت عموم آن‌ها یا از معماری سنتی چینی «سبک معماری پاگودا» استفاده شده است، یا به سبک

4 - مسجد شهر هانجو یکی از مساجد قدیمی و بسیار دیدنی چین است. در این مسجد کتیبه‌های سنگی متعدد به زبان فارسی و عربی وجود دارد که مهم‌ترین آن کتیبه فارسی مربوط به تاریخ تأسیس و مؤسس این مسجد است. این کتیبه را من در سال 2004 میلادی مشاهده کردم.

امروزی ساخته شده است.⁵ مسجد سونجیان از جمله مساجد نادری است که در منطقه جنوب شرق چین به سبک معماری سنتی اسلامی - ایرانی بنا شده است. لذا این مسجد که در قدیم به مسجد «درنای بین ابرها» شهرت داشت و امروزه مسجد «دین مبین» نامیده می‌شود، یکی از مساجد باستانی در جنوب شرقی چین به‌شمار می‌آید.

شبهستان اصلی این مسجد بیش از شش قرن پیش به صورت مربع و با طاق گنبدی شکل و از آجر و گچ و با در و پنجره‌های هلالی ساخته شده که این سبک به ندرت در مساجد این منطقه یافت می‌شود و این مسجد را از سایر مساجد متمایز ساخته است. این مسجد در درجه نخست شاهدهی است از سابقه درخشان مسلمانان در منطقه شانگهای و در درجه دوم سندی از حضور ایرانیان در این منطقه محسوب می‌گردد.

براساس مشاهدات نگارنده از مسجد و اظهارات مسؤولان مسجد و با استناد به اسناد مکتوب، تاریخ این مسجد به اواسط قرن چهاردهم میلادی (1342 میلادی) باز می‌گردد، و البته درباره تاریخ دقیق تأسیس آن اختلاف نظرهایی میان محققان چینی وجود دارد. به هر حال آنچه مسلم است، این مسجد در زمان حاکمیت مغولان و توسط آنان در این شهر ساخته شده است (رسولی 1384: 121).

اثر باستانی مقبره نصرالدین و کتیبه آن

از در شمالی مسجد به سمت سالن اصلی در گوشه‌ای از راهرو، مقبره‌ای جلب توجه می‌کند و سنگ نوشته‌ای بر روی آن نصب شده که می‌توان گفت قدیمی‌ترین سنگ نوشته موجود در این مسجد است و از اهمیت فراوانی برخوردار است. مقبره به این شکل است که بر روی یک سنگ مستطیل شکل، سنگ استوانه‌ای به صورت افقی قرار گرفته که در یک سوی آن عبارت لاله‌الاله و در سوی دیگر محمد رسول‌الله نوشته شده است و در کنار آن سنگ نوشته‌ای به خط چینی به ارتفاع تقریباً یک متر به صورت عمودی نصب شده است. این مقبره متعلق به نصرالدین؛ موضوع این مقاله است. این نصرالدین از طرف امپراتور والی شهر سونجیانگ بوده و چون مسلمان بوده پس از آن که درگذشته، او را در قبرستانی که به مسلمانان اختصاص داشته دفن کرده‌اند. بعدها در سال

5 - نمونه بارز مساجد باشکوه چین که به سبک معماری چینی ساخته شده، مساجد شهر «شی‌ان» و به خصوص مسجد بزرگ شهر شی‌ان است. به‌رغم این که مساجد شهر شی‌ان بسیار قدیمی و باسابقه و باشکوه است، این جانب مسجدی که به سبک معماری سنتی ایرانی باشد در شهر شی‌ان مشاهده نکردم.

1675 میلادی سنگ قبری برای او نصب شده است. اهمیت کتیبه سنگی روی مقبره نصرالدین از آن جهت است که در آن تصریح شده که نصرالدین یک مسلمان ایرانی بوده است و این یکی از مهمترین نشانه‌های موجود در این مسجد دال بر حضور ایرانیان در قرن چهارده میلادی در مناصب بالا در شهر سونجیانگ است. به علاوه، باید گفت قدیمی‌ترین و موثق‌ترین اثر درباره نصرالدین همین کتیبه سنگی است که از نوشته‌های آن می‌توان تا حد زیادی به شخصیت وی پی برد.

ترجمه مطالب کتیبه سنگی این مقبره که به زبان چینی کنده‌کاری شده، چنین است: «این آرامگاه دالوخواچی، یکی از والیان سلسله یون در مسجد شهر سونجیان است. او یکی از والیان مغولی بود و دین او ایرانی بود. هنگامی که از دنیا رفت، هنوز والی شهر بود و لذا او را در این‌جا به خاک سپردند. در شرح حال او در سالنمای شهر سونجیانگ در سلسله چینگ آمده است که: این مقبره به کمک مسلمانان این شهر ساخته و نگهداری شده است. آری این مقبره گرما و سرمای سالیان متوالی را تجربه کرده و مدت‌ها از آن گذشته و امروز مشاهده آن مردم را اندوهگین می‌سازد. اگرچه آرامگاه تغییراتی کرده، ولی روح نصرالدین همچنان در این‌جا وجود دارد. آیا مشاهده این وضع، عبرت‌انگیز و غم‌بار نیست؟ این سنگ یادبود را در این‌جا می‌نهیم تا عبرتی باشد برای همه ما و در زندگی بکوشیم درستکار باشیم. در این اقدام خوب به آیندگان نیز یادآوری می‌شود که از این مقبره به خوبی نگهداری کنند.»⁶

6 - این جانب این کتیبه را در کنار سه کتیبه دیگر شخصاً مشاهده کردم؛ ولی نوشته‌های آن به زبان چینی بود و خواندن آن برای برخی از چینیان نیز دشوار می‌نمود. لذا برای ترجمه آن از دانشجویان چینی کمک گرفتیم و همچنین به راهنمای معرفی مسجد سونجیان، منتشر شده از سوی هیأت امنای مسجد مراجعه نمودم. متن چینی امروزی آن چنین است.

錄文 4: 元都守達魯花赤故冢守蒙古人而教宗西域

沒於官遂葬此勝國時載入府志仍賦其地賴有同教歲償租稅相沿至今遂為北郊土滿壤接幾於層樓殘闕矣嗟呼滄桑陵谷今昔同悲禮魄猶栖 壘泉已變目擊心傷能無隱痛焉是矢願鳩工刊碑永戒從此親知霽全掩骼之忱弗蹈覆車之轍澤及於枯功深不朽世世恪遵慎毋替時

大清康熙十四年歲次己卯拾貳月吉日

袁士英
唐虞卿 謹記
金 彪

علاوه بر این سنگ نوشته، سند دیگری که در آن از نصرالدین یاد شده، کتاب دایره المعارف اسلامی چین است که از او در ضمن افراد دیگری به عنوان مهرداد نام برده است (دایره المعارف اسلامی چینی: 564). بدیهی است که این کتاب مطالب خود را از سالنامه‌های چینی گرفته است.

سند مکتوب دیگر، سالنامه تاریخ سلسله چینگ (qing)، (1644 - 1912 م) است. این سالنامه، ضمن اشاره به این که مسجد سونجیان در حومه غربی این شهر توسط مغول‌ها در سال (1341 - 1367 م) ساخته شده است، آورده است که نصرالدین در غرب شهر به خاک سپرده شده و در سال 1391 م مسجدی در آن‌جا ساخته شده است. اگرچه در این سند تاریخ (1341 - 1367) میلادی که در آن ذکر شده به واقع نزدیک‌تر است و سال 1391 که در آن ذکر شده چندان صحت ندارد؛ ولی از جهت تصریح به نام نصرالدین ارزش بالایی دارد (دایره المعارف اسلامی چین، فصل 53).

برخی احتمال داده‌اند که نصرالدین مؤسس مسجد سونجیانگ بوده باشد، ولی محققان این نظر را رد کرده و گفته‌اند او صرفاً والی شهر بوده و چون مسلمان بوده، پس از فوت، او را در قبرستان مسلمان‌ها دفن کرده‌اند و احتمالاً مسجد بعد از مرگ او در این‌جا ساخته شده است.

متأسفانه درباره زندگی این شخصیت ایرانی که در دوردست‌ترین نقاط چین به چین جایگاهی دست یافته، به اطلاعات زیادی دست نیافتیم و نمی‌دانیم به‌طور دقیق در چه سالی دیده به جهان گشوده و در چه سالی دیده از جهان فرو بسته است؛ ولی شواهد تاریخی نشان می‌دهد که او در نیمه دوم قرن سیزده و نیمه اول قرن چهارده میلادی که همان دوره حاکمیت مغولان در چین است، می‌زیسته است. زیرا براساس اسناد تاریخی به احتمال قریب به یقین، مسجد سونجیانگ در فاصله سال‌های 1341 تا 1367 میلادی بنا شده است.

از سویی در سالنامه تاریخ سلسله چینگ (qing)، (1644 - 1912 م) آمده است که مسجد سونجیان در حومه غربی این شهر توسط مغول‌ها در سال‌های (1341 - 1367 م) ساخته شده است. و در جای دیگر آورده است که نصرالدین در غرب شهر به خاک سپرده شده و سپس مسجدی در آن‌جا ساخته شده است (همان).

بنابراین نصرالدین پیش از بنای مسجد، یعنی پیش از سال 1341 میلادی از دنیا رفته است.⁷

نتیجه گیری

در دوران حاکمیت مغولان در چین، مسلمانان و به خصوص مسلمانان ایرانی از جایگاه سیاسی و اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. در نتیجه منشأ اثرهای فرهنگی و اجتماعی و هنری در آن خطه گشته‌اند که از جمله این آثار، مساجدی به سبک معماری ایرانی است. یکی از نخستین حاکمان دوره مغول در سلسله یون در منطقه سونجیانگ در جنوب شرق چین شخصی به نام نصرالدین است. وی یکی از شخصیت‌های مهم مسلمان و ایرانی است که مقبره او در مسجد سونجیانگ به عنوان اثری باستانی همچنان پابرجاست. سنگ نوشته روی این مقبره و اسناد معتبر تاریخی چین برنام و جایگاه اجتماعی و ایرانی بودن او تصریح دارند. و سرانجام نقش نصرالدین و سایر حاکمان مسلمان در این منطقه و کتیبه سنگی بر روی مقبره نصرالدین در مسجد باستانی سونجیانگ با معماری ایرانی، نشانی از حضور ایرانیان در قرن‌های گذشته در دوردست‌ترین نقاط چین است؛ که بازشناسی آن در مطالعات تاریخی مربوط به روابط فرهنگی و هنری میان ملت‌ها ارزش و اهمیت فراوان دارد.

7- تواریخ مربوط به دوران حاکمیت مغولان در چین از نصرالدین دیگری نیز نام برده‌اند که نباید آن را با نصرالدین موضوع این مقاله اشتباه کرد. این نصرالدین (یا نصیرالدین یا ناصرالدین) فرزند شمس‌الدین معروف به شیخ اجل است که زندگی سیاسی او از سال 1260 با ورود به استان یون‌نن آغاز شد و پس از درگذشت پدر به فرمانداری این استان رسید و سال‌ها در این استان منشأ خدمات گسترده‌ای گردید و سرانجام در سال 1291 میلادی به فرمانداری استان شیان‌سی منصوب شد و در سال 1292 درگذشت. به هر روی او چندان شهرت یافت که در زمان حیاتش مجسمه‌ای طلایی از او در یون‌نن نصب کرده‌اند و امپراتور دودمان یوان لقب شاه «یان‌ان» را به او بخشید (ناوی‌شین: 1996). شاید بتوان گفت قدیمی‌ترین منبعی که به نام نصیرالدین پسر سیداجل اشاره کرده مارکوپولو، جهانگرد مشهور ونیزی (1254 - 1324 م) است. وی در سفرنامه خود در مبحث مربوط به فتح کشورهای چین و بانکالا توسط خان بزرگ می‌نویسد: (سال 1272 بود که خان بزرگ به منظور حمایت و دفاع کشورهای وچانگ و کارازان در مقابل حملات بیگانگان ارتش مجهزی به آن صفحات فرستاد... نستاردین، سردار تاتار از نزدیک شدن ارتش دشمن خبردار شد... صحیحی، مترجم کتاب مارکوپولو در ذیل این عبارت توضیح داده است که نستاردین تحریفی از کلمه نصیرالدین است (مارکوپولو 1350: 1185). رافائل ایزرائیلی، نویسنده کتاب مسلمانان چین، نیز این موضوع را ثابت کرده است. وی از دولون Dollone چنین نقل می‌کند: (نصیرالدین پسر سیداجل که جانشین پدر گردید همان نصیرالدینی است که مارکوپولو از او نام برده است و نامش هنوز در آن‌جا از شهرت و محبوبیت برخوردار است (ایزرائیلی 1368: 119). پیکنز نیز در مقاله‌ای با عنوان رهبران مسلمانان در چین از نصیرالدین به عنوان پسر سیداجل نام برده است. ایرج افشار در مقدمه خطای نامه در فهرست تحقیقاتی که درباره روابط ایران و چین انجام گرفته از این مقاله نام برده است (خطایی 1372: 18).

منابع

- ابن بطوطه. 1997. *رحله ابن بطوطه*. تحقیق کرم البستانی. بیروت: دارالفنایس.
- امیری، کیومرث. 1378. *زبان فارسی در جهان (چین)*. تهران: انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ایزرائیلی، رافائل. 1368. *مسلمانان چین*. ترجمه حسن تقی‌زاده طوسی. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- بدیعی، نادره. *فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین*. چاپ اول. تهران: انتشارات بلخ.
- پوزان، جیان. 1371. *تاریخ مختصر چین*. ترجمه جان خون‌نین. ویرایش سیدمحمد ترابی. تهران: ویسمن.
- تشکری، عباس. 1356. *ایران به روایت چین باستان*. تهران: مؤسسه روابط بین‌المللی.
- جرالد، فیتز. 1367. *تاریخ فرهنگ چین*. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوینی، عطاملک. 1362. *تحریری نو از جهانگشای جوینی*. نگارش منصور ثروت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خطایی، علی‌اکبر. 1372. *خطای نامه*. به کوشش ایرج افشار. چاپ دوم. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- دایره‌المعارف اسلامی چین. *سالنمای منطقه سونجیان*. فصل 53. بخش مساجد.
- رسولی، حجت. 1384. "مسجد سونجیان چین"، *وقف میراث جاویدان*. شماره 50.
- مارکوپولو. 1350. *سفرنامه*. ترجمه حبیب‌الله صحیحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد. 1363. *فرهنگ معین*. چاپ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ممتحن، حسینعلی. 1379. "نقش خیرخواهانه محمود یلواج مسلمان و..."، *مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ناوی‌شین. 1994. *خاندان شریف سیداجل*. چاپ سوم. پکن: انتشارات چین امروز.
- وان یا ابین. 1996. *دایره‌المعارف اسلامی چینی*. چنگ‌دو: انتشارات دایره‌المعارف استان سیچوان.